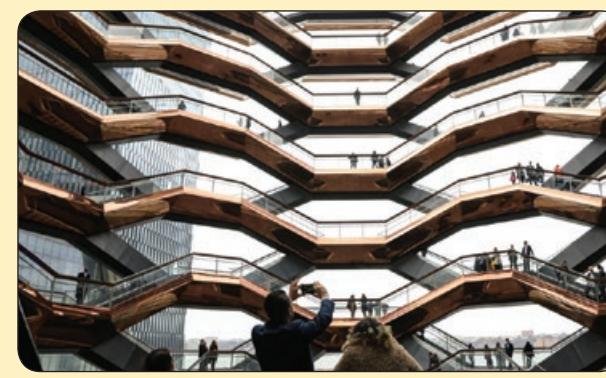




گاتی ایمیج | مج اندازی دوکود پنهان جو که پای خود را در جنگ از دست داده‌اند در بیمارستان ترکیه



گاردنی ارفت و آمد در خیابان‌های آب گرفته، اندونزی



رویترزا افتتاح یک مرکز تجاری با ورودی منحصر به فرد شامل ۱۵۵ سرویس‌پله، نیویورک



دوشنبه ۲۷ اسفند ۱۳۹۷ شماره ۱۲۸۷

امام‌هادی (ع): بردم در دنیا باموال سرو کاردارند و آختر با عمل.

الدزه‌باهرة

ذکر روز دوشنیه صدمتریه «یاقاًیی الحاجات»

در محضر بزرگان

تشنگان اطراف ارادریاب

مرحوم حاج اسماعیل دولابی

فرمودند: برادر من! همیشه مواظب باش که اگر تشنیه ای در اطراف خود یافتی قدر شرابان.

برادرت، رفیقت، جوان خانه ای، زن و بچه ای، این هزار آب بدنه ثواب

دارد. یعنی محبت بد!

طوبای محبت

حکایت

وقتی شیربه‌جنگ می‌رود

شیر آهنج لشکرکشی در سر داشت. به حیوانات گفت به جنگ

باید پیل مسئول ساز و برگ شد، خرس آماده حمله. رویاه

برای خبر چینی و جاسوسی، می‌مون برای حیله گری و شعبده

بازی آماده شد. یکی گفت الاغان و خرگوشان را زود بر گردانید.

شیر گفت: «بی الاغ و خرگوش اشاره‌اش را در دهانش خیس کرده و روی کاغذ کتاب گذاشت و فرشتی که سورتمه بايانوئل رو تو کریسمس می‌کشن نمی‌سوزه!»

چون مایه پیروزی این جنگ آن دوستند. الاغ به جای شیبور

جنگ و خرگوش هم پیک جنگ. سلطان دوراندیش از کمترین

افرادش می‌برد بهره در جنگ.

نویسنده: زان و لافوتنت

متراجم: ملیحه صمدی

فرهنگ لغت!

آبین: تین دارای آب

کشور: کسی که با کش بازی می‌کند

والیالیست: حاکمی که فهرست

دارد

خیمازه: کاموا

نوروز: شب

جوشکار: عاد

سرازیر: مانور از لره

زغال اخته: چوب نسوز

زنگوله: زن فریکار

مخخار: محمد رضا الطفی

کارشناس: غواص

امیرحسین خوش حال

قرار مدار

داستان طنز

نابودی نسل آینده با اسراف آب در حمام

محمد‌امین فرشادمهر طنز برداز



صدای شیر آب حمام به شدت فکر مامشغول کرده بود. یک ساعتی بود که

نوبید برادر کوچک‌ترم به حمام رفته بود و خبر دقیقی از او در دست نبود.

بیرون امد و شروع کردم به قدم زدن. وحید، برادر بزرگ‌ترم با کتابی در دست از

اتاق خارج شد و روی میل نشست. به اسلام کرد، وحید هم در جواب انگشت

اشاره‌اش را در دهانش خیس کرده و روی کاغذ کتاب گذاشت و فرشتی که آنگر مکن را خاموش

بعدی! فکرم حسایی در گیر شده بود. به فکرم رسید که آنگر مکن را خاموش

کنم. این جوری داشت و خاموش کردند آنگر مکن گذشت کتاب شیر آب می‌کشید. یک

ساعتی هم از خاموش کردند آنگر مکن را خاموش نمی‌کردند. شیر آب با فشار

خارج می‌شد. به وحید گفت: «نوبید دو ساعتی هست توی حمامه. نمی خوابی

باهاش صحبت کنی؟ اگه به فکر خودمنو نیستیم باید به فکر بچه‌های شیبور

با این وضیعت حمامش داره نسل آینده داده و فریاد می‌کند. وحید هم در جواب آنگشت

نیست. وحید باستن کتابش و کشیدن پتو روی سرش حرف‌هایم را تایید کرد

نشان داد سیار دغدغه‌مند بود این موضوع نگاهی کرد!

سه ساعتی گذشتند بود و کارده من می‌زندن خونم در نمی آمد. شنگ خانه به صدا

در آمد. در رایز کردم. نوبید بود! شروع کردم به داده و فریاد می‌کردند آن

در حمام مانده‌ای و آبراهه داده است. با تعجب گفت: «کی؟» گفتم: «ازه چهار

ساعت پیش تا همین الان. هنوزم داری برو نگاهم می‌کنی و شیر آب بازه!»

گفت: «داداش من از صحیح رفتم کلاس. الان که روه و رسید و ایسادم. کی فتنم

حمام!؟ کمی چانه‌ای اخراج اندم و گفتم: «عه تونبودی؟ حتماً وحید تو حممه

پس. وحید کله‌اش را لزیز پتو بپرس! آپ که بیرونه ایس پنهان کیه تو حموم؟» به سرعت رفتم

دم در حمام. عقب عقرب فرم و دور خیز کردم. نوبید گفت: «پی کار می‌کنی؟»

گفتم: «می خوام در رو بشکم دیگه.» گفت: «در زدی؟» گفتم: «آوه لولی توی

بی شعور در رو باز نکر دیدیگ!» گفت: «من بیرون بودم.» گفتم: «آهان آره. بابا

واسه خودت می‌گم، حداقل آنگر مکن رو خاموش نمی‌کردم که سرم بخوری.»

نوبید صورش را به حالت ناخوشایندی در آورد در حمام را باز کرد. کسی داخل

نیود، فقط شیر آب به خاطر مشکل و اشرش، نشتشی زیادی داشت. نوبید شیر آب

رانعمری کرد. وحید نیز باور قز دن کتابش کمک شیانی به ما کرد! تمام کشید

آن قریبه لحاظ روی خسته بود که نیازی به کوشش نداشت. رفتم حمام

و خودم از بیر آب لرها کردم. منتها جون آنگر مکن رو خاموش بود از شدت سرما

مثل چی لزیدم. خوشبختانه عربه‌های در خواست کمک در وحید تائیر گزار

بودواهیه زیبایی فصل اول کتابش را تمام کرد و خوابید.

ما و شما

راه را با میامی ۹۰۰۰۹۹۰ و تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶



گاتی ایمیج | مج اندازی دوکود پنهان جو که پای خود را در جنگ از دست داده‌اند در بیمارستان ترکیه

نقال

در کعبه کوی توهر آن کس که بیاید از قبله ابروی تو در عین نماز است

ای مجلسیان سوز دل حافظ مسکین از شمع پرسید که در سوز و گذاز است

دی روزنامه



پیش بینی مشاغل جدید در سال نو

علی‌رضای کاردار اطمینان‌گزار

این روزها حتماً در شبکه‌های اجتماعی چند عکس مهم‌رادیده اید که پریاز دید شده‌اند. اولی و پرترین یک آجیل فروشی است که پشت شیشه آن نوشته شده «پسته کرایه‌ای برای عکس سفره هفت سین، ساختی ۵ هزار تومان» و دیگری ویتنیک فروشگاه لباس است که مانکنش (مجسمه‌مدل لباس) انسان زنده است اندیشه‌ای زیادی به این دو عکس شده و ای مصدق‌ارای طبق معمول، نیمه پر و پرترین را بینینم و ازین دو تصویر تقدیر کنم!

در عکس اول که خوش‌شکنی نیست کرایه‌ای دادن پسته‌شکن‌پررنگی در تحریرهای روابط

خانوادگی و فامیلی دارد. وقتی اهل خانه‌ای بیخ خود را هم خواهد بینیم بلکه بروشی برای «امسال اگه شده فرنیه و نصف کلیه های را باید که این روزهای خوبی‌تر باشند و خودش خوبی‌تر باشند و بگذراند که آبرو مون

جلوی فامیل نیز «جهه‌هایی که این روزهای خوبی‌تر باشند و خودش خوبی‌تر باشند و بگذراند که آبرو مون

پسته کرایه‌ای برای عکس سفره هفت سین، ساختی ۵ هزار تومان» و دیگری ویتنیک فروشگاه لباس است که مانکنش (مجسمه‌مدل لباس) انسان زنده است اندیشه‌ای زیادی به این دو عکس شده و ای مصدق‌ارای طبق معمول، نیمه پر و پرترین را بینینم و ازین دو تصویر تقدیر کنم!

در عکس دیگر که این روزهای خوبی‌تر باشند و خودش خوبی‌تر باشند و بگذراند که آبرو مون

این روزهای خوبی‌تر باشند و خودش خوبی‌تر باشند و بگذراند که آبرو مون

این روزهای خوبی‌تر باشند و خودش خوبی‌تر باشند و بگذراند که آبرو مون

این روزهای خوبی‌تر باشند و خودش خوبی‌تر باشند و بگذراند که آبرو مون

این روزهای خوبی‌تر باشند و خودش خوبی‌تر باشند و بگذراند که آبرو مون

این روزهای خوبی‌تر باشند و خودش خوبی‌تر باشند و بگذراند که آبرو مون

این روزهای خوبی‌تر باشند و خودش خوبی‌تر باشند و بگذراند که آبرو مون

این روزهای خوبی‌تر باشند و خودش خوبی‌تر باشند و بگذراند که آبرو مون

این روزهای خوبی‌تر باشند و خودش خوبی‌تر باشند و بگذراند که آبرو مون

این روزهای خوبی‌تر باشند و خودش خوبی‌تر باشند و بگذراند که آبرو مون

این روزهای خوبی‌تر باشند و خودش خوبی‌تر باشند و بگذراند که آبرو مون

این روزهای خوبی‌تر باشند و خودش خوبی‌تر باشند و بگذراند که آبرو مون

این روزهای خوبی‌تر باشند و خودش خوبی‌تر باشند و بگذراند که آبرو مون

این روزهای خوبی‌تر باشند و خودش خوبی‌تر باشند و بگذراند که آبرو مون

این روزهای خوبی‌تر باشند و خودش خوبی‌تر باشند و بگذراند که آبرو مون

این روزهای خوبی‌تر باشند و خودش خوبی‌تر باشند و بگذراند که آبرو مون

این روزهای خوبی‌تر باشند و خودش خوبی‌تر باشند و بگذراند که آبرو مون

این روزهای خوبی‌تر باشند و خودش خوبی‌تر باشند و بگذراند که آبرو مون

این روزهای خوبی‌تر باشند و خودش خوبی‌تر باشند و بگذراند که آبرو مون

این روزهای خوبی‌تر باش